

@ocbooks

کیتلین کلی

نهال سهیلی‌فر

انتشارات مجید

CamScanner

به نام خدا

حرف‌هایی که کاش می‌زدم

کیتلین کلی

نهال سهیلی‌فر

انتشارات مجید

CamScanner

فهرست مطالب

فصل ۱؛ نجات دادن خودم

فصل ۲؛ هیچ‌وقت نمی‌فهمی

فصل ۳؛ صفحه‌های سیاه‌تر

فصل ۴؛ درک کردن

فصل ۵؛ سوال‌انگیزی‌های این دنیای کوچیک

CamScanner

خواننده‌ی گرامی:

ضمن ادای احترام به هوش و درایت شما، متن پیش‌رو خدای‌نکرده از سر کبر و غرور نگاشته نشده، بلکه چند نکته‌ای است محض یادآوری تا از خواندن کتاب حرف‌هایی که کاش می‌زدم لذت بیش‌تری ببرید.

چند سالی است که قالب جدیدی در ادبیات دنیا باب شده که به «ژورنالی‌نویسی» موسوم است و «تخلیه‌ذهنی» نویسنده معنا می‌دهد. در قاعده «تخلیه‌ی ذهنی» فرد نباید خواننده داشته باشد یا به‌کتاب تبدیل شود. اما انسانی که نوپسند است و مدام به‌دنبال نوآوری است، این نوع نوشتار را به‌کتاب تبدیل کرده است و در سوی مقابل خوانندگان نیز به‌شدت از این نوع ــ ژانر جدید ادبی استقبال کرده‌اند و گواه نیز چاپ‌های چندین‌باره کتاب‌هایی در این قالب است.

«تخلیه ذهنی» اگرچه بسیار ساده است و حتی خوانندگان حرفه‌ای را فریب می‌دهد و آنان را برمی‌آشوبد، به‌دلیل ظاهر ساده اما در باطن پیچیده‌اش در قالب پست‌مدرنیسم می‌گنجد و ذهن‌های مشکل‌پسند را نیز می‌تواند اقناع کند. برای‌مثال همین کتاب پیش رو داستان دختر جوانی است که شکست عشقی خورده و حتی تا پای خودکشی می‌رود. او خیلی ساده و به‌زبان محاوره سوزنامه‌ای نگاشته است تا بتواند از دردش بگوید و معشوقش را فرا بخواند. اما متن تک‌صدا ــ مونولوگ است و ما صدای معشوق پسر را نمی‌شنویم. زیرا او از پسران معمولی است که به جنس مخالف فقط برای خوش‌گذرانی می‌نگرند و هر وقت تاریخ مصرف دختر برای‌شان تمام شد، او را دور می‌اندازند. بنابراین نمی‌توانند صدایی داشته باشند و برای مثال از

CamScanner

خود بگویند و اینکه چرا دختر را ترک کرده‌اند. اما مطابق روایت رمان کلاسیک و حتی رمان مدرن دختر نمی‌آید این همه را از نقطه الف شروع کند تا به نقطه ب و سرانجام پایان برساند. او نثر و شعرنما را به‌هم آمیخته تا سرسامی را که از اندوه جدایی دچارش شده است، از ذهن خویش بزداید. او واژه کم می‌آورد و از نشانه‌ها یا سیاه‌نویسی یا برعکس کوچک‌تر نوشتن واژه‌ها کمک می گیرد تا خواننده را متوجه منظورش کند. درنتیجه این ساده‌نویسی و راه‌نرفتن بر خط زمان خطی خوش‌آیند خواننده است که امروز به‌شدت کم‌حوصله است و دیگر مغزش نمی‌کشد سی‌صفحه بخواند تا راوی رمان مهیای قتل به‌فرض پدرش شود.

امید اینکه این کتاب نیز مانند کتاب‌های پیشین و از این‌دستِ ناشر خوش‌آیند شما واقع شود و او را در کار فرهنگی که در پیش گرفته است، یاری دهد وخواننده‌ی خسته ودل‌زده امروز را بار دیگر با کتاب و کتاب‌خوانی آشتی‌دهد.

با احترام

ناشر

زمستان ۱۴۰۰

CamScanner

هشدار:

این کتاب به موضوعای بحث‌انگیز و حساس زیادی می‌پردازه.

افرادی که ذهنای بسته‌ای دارن، حواس‌شون باشه.

CamScanner

فصل۱
نجات دادن خودم

این فصل در مورد نجات دادن خودتونه برا وقتی کس دیگه‌ای به‌دادتون نمی‌رسه. بقیه نمی‌تونن صدای شیطونایی‌یُ بشنون که تو سرتون ولوله به‌پا کردن یا بی‌سروصدا غصه خوردن دل‌تونُ حس کنن. بعضی وقتا شاهدختِ توی برج به شاهزاده احتیاجی نداره، بعضی وقتا این ملکه‌ی شیطون‌صفت نیست که اونُ بالا توی برج زندانی کرده. بعضی وقتا خود شاهدختهُ که خودشُ توی برجِ بلند و دلگیر زیر آسمونِ گرفته زندانی کرده و بعضی وقتا کسی صدای فریاد زدنا و کمک خواستناشُ نمی‌شنوه. این همون زمانی‌یه که شاهدخت تصمیم می‌گیره خودشُ نجات بده. بعضی وقتا این دختر اصلاً یه شاهدخت نیست، بلکه فقط دختری با ذهن پریشونه. اون خودش می‌تونه با شیطونا بجنگه و راهشُ از بالای برج به‌پایین باز کنه. زمان می‌بره، اما اون از پسش برمی‌یاد. این فصل در مورد اینه که خودتون خودتونُ نجات بدین تا زحمتش روی دوش کس دیگه‌ای نیفته.

CamScanner

ارواح برگشتن

ـــــ سلامت روانم

CamScanner

دارم خوب وقت می‌ذارم
که پرواز کردنُ یاد بگیرم.

CamScanner

اعتماد به‌نفس

برای آدمای نامطمئن و متزلزل

کابوسه.

CamScanner

اون سعی کرد برات بجنگه

اما نجنگید به‌اندازه‌ی کافی

به‌نظر نمی‌یاد مشغول تیز کردن شمشیرش باشه

به‌جاش

نبردُ باخت

و تو تنها موندی توی قلعه

تو احتیاجی نداری به کسی

تا بیاد و از برج نجاتت بده

خودت دست به‌کار شو.

CamScanner

۲ فوریه ۲۰۱۸

از کلمه‌ها استفاده کن کیتلین

CamScanner

حسادت

لباسی‌یه که

بیشترمون

زیر لایه‌لایه‌های

روح‌مون می‌پوشیم

چون هیچ‌وقت

هیچ‌کس

اعتراف به

حسود بودن

نمی‌کنه.

CamScanner

من

معتادم

به

حس

ماجراجویی.

CamScanner

من برای تو کی‌ام؟

CamScanner

از عشق ورزیدن می‌ترسم

بدجوری‌یه

دارم سعی می‌کنم مراقبم باشم

به‌خاطر همین

خیلی

خیلی

برات **متأسفم**

که سعی داری

آدم **شکسته‌ای**

مثل **منُ**

دوست داشته باشی.

CamScanner

موضوع

تو

نیستی

موضوع منم.

CamScanner

دوست خیالیم

خوشحال می‌شد

از شنیدن ماجراجویی‌یام

اما حیف

که خیلی وقت پیش

از پیشم رفت.

ـــ امان از بزرگ‌سالی

CamScanner

به‌وقتش

حالت

خوب

می‌شه

CamScanner

یعنی منم؟

CamScanner

از اینجا به‌بعد فقط اوضاع می‌تونه بهتر بشه

___ افکار مثبت

CamScanner

من واقعاً
واقعاً
خوب
دروغ می‌گم
الان
چهار ساله
دارم
به بقیه می‌گم
«حالم خوبه.»

CamScanner

حتماً خیلی افتضاحه که زندگی

برای کسایی که

سعی می‌کنن ازش لذت ببرن

این‌قده دردناکه.

CamScanner

انگار روی نیمکتای ورزشگاه

نشستم بین کلی آدم

اما هنوز

حس می‌کنم تنهام.

ـــ خالی

CamScanner

همش می‌گن

اوضاع

بهتر می‌شه

ولی

کی؟

CamScanner

تنها بودن

و

احساس بی‌کسی کردن

دو چیز

متفاوتن.

CamScanner

داره از دیوارایی

که بهشون تکیه داده

می‌شکفه و بیرون می‌زنه

هیچ‌کس دیگه‌ای نمی‌تونه

حضورشُ حس کنه

اما من می‌بینمش.

ـــ گل دیواری

CamScanner

یه اتفاق ناراحت‌کننده

وقتی می‌افته که

می‌دونی

یکی داره عاشقت می‌شه

اما همین‌طور واسه خودت نشستی

و تو هم می‌ترسی عاشقش بشی

چون آمادگی اینُ نداری

که دوباره صدمه ببینی.

CamScanner

شاید منم که دیوونم

CamScanner

صدای سکوت

وقتی از همیشه بلندتره که

همه ولت کردن

و تو نمی‌دونی چرا

ـــ افکاری که مدام تو سرم هستن

CamScanner

خدا

لعنتش کنه

چرا ذهنم این‌قده پر از افکار بی‌ربطه،

قوه‌ی تخیلم **زده به سرش**

و من دارم سعی می‌کنم

حواسم به تکلیف ریاضیم باشه.

CamScanner

دست از
راضی کردن
همه
بردار،
کیتلین.

CamScanner

سنگ و چوب

ممکنه استخوونامُ بشکنن

اما این حرفای مهمله که

همیشه آزارم می‌دن. [1]

CamScanner

اندوه تا ابد ادامه پیدا می‌کنه

CamScanner

لحظه‌هایی مثل الان

که **تک و تنها** هستین

باعث می‌شن بفهمین

واقعاً چقدر بی‌کَسین.

ـــ تنها و بی‌کس دو چیز متفاوتن.

CamScanner

اینجوری‌یه که تنهام

ولی کسی رو هم نمی‌خوام

همه رُ از خودم می‌رونم

نمی‌تونم با هیچ‌کس کنار بیام

نمی‌تونم

دلم نمی‌خواد اینجا باشم

شاید

اگه یه نفر بیاد و در سکوت کامل

فقط کنارم بشینه

ممکنه حالم خوب بشه

CamScanner

بذار

مراقبم باشم

قبل از اینکه

قول بدم

از تو مراقبت کنم.

CamScanner

شجاعت

وقتی‌یه که

به **شیطونایی**

که توی سرت

ولوله به‌پا کردن

بی‌توجهی می‌کنی

و به **زندگیت** می‌رسی.

CamScanner

خیلی دوست دارم ببینم

که من از دید چشمای تو

چه‌جوری‌یم.

CamScanner

احساس

بی‌حسی می‌کنم،

نمی‌تونم احساسای

بدن و قلبمُ

حس کنم

یه‌جوری رفتار می‌کنم

انگار می‌تونم حس‌شون کنم

انگار حالم خوبه

اما راستشُ بخوام بگم

مغز خودم

داره گیجم می‌کنه.

CamScanner

همه‌شون ازم می‌پرسن که

خودتُ ده سال دیگه کجا می‌بینی؟

حقیقتاً

نمی‌دونم

چون

یه سال پیش

خودمُ

اینجا **نمی‌دیدم**.

CamScanner

هم‌اکنون بیندیش.

CamScanner

نمی‌تونم

نگاه‌های قاضی‌مآبانه‌ای‌ُ که

به من می‌ندازن

یا حس ترحمِ

توی **چشم‌هاشونُ**

تحمل کنم

لطفاً

دیگه

نگران من نباشین

CamScanner

از روی تخته پرش پرید
و کنار کوسه‌ها شیرجه زد
اونا چی می‌دونستن
دختر کوچک و ظریفی مثل اون
قلبم داره
و کوسه‌های داخل آب
در مقایسه با کوسه‌هایی که
در اعماق افکارش شنا می‌کردن
هیچی نبودن
___ دختر زنده موند

CamScanner

به شعر نوشتن برات ادامه می‌دم

حتی وقتی نمی‌تونم درست

دستامُ تکون بدم

و تو نمی‌تونی

از دست‌خطم چیزی سردربیاری

CamScanner

اگه اونجوری که همه‌جا پرکردی
بهت «احتیاج داشتم.»
پس چطور خیلی قبل از اینکه
به زندگیم بیای
زنده بودم و می‌تونستم
قبل از اینکه به‌هِم بگن **زیبا** هستم
لبخند بزنم
ـــ خودم قبل از همه نیمه‌ی گمشده‌ی خودم بودم

CamScanner

من اقیانوسی بودم

عمیق و پر از زیبایی

اما تو

از کوسه‌ها می‌ترسیدی

CamScanner

اگر نوشتن هم نبود

دیگه چطور می‌تونستم زنده بمونم؟

CamScanner

اون خیلی ظریف مریفه

اما عشق تند و تیزی داره

وقتی سعی داره

اون همه عشقُ

نثار دیگری بکنه

خودش درهم می‌شکنه

CamScanner

از خودت زیادی براشون مایه می‌ذاری
و اونا هم هی بیشتر ازت توقع دارن
تا وقتی که بالاخره تموم شی.

CamScanner

تنهایی

با آهنگای عاشقانه

زمزمه می‌کنم

CamScanner

دارم اون بالابالاها پرواز می‌کنم
و بقیه‌ی آدمای روی زمینُ تماشا می‌کنم
که اشک می‌ریزن
و با خودم فکر می‌کنم
که چرا آدم ناراحت باشه؟
یه دنیای به این بزرگی پیش روی آدمه
بعد از خواب بیدار می‌شم
و می‌فهمم اونی که داشت روی زمین اشک می‌ریخت
خودم بودم

CamScanner

کدوم گوری هستی پیترپن؟

گفتی برمی‌گردی **دنبالم**.

ـــ اولین پسری که دروغ گفت

CamScanner

خودم می‌دونم چی لازم دارم

پس اون‌قده حرف الکی نزن.

CamScanner

هشدار لو رفتن داستان:

اون هنوز زنده بود.

CamScanner

فصل ۲
هیچ‌وقت نمی‌فهمی

این فصل فصلی‌یه که سر و سامون دادن بهش از همه دردناک‌تره.

این فصل اختصاص داره به شعرای عاشقانه. شعرایی که آرزو می‌کنین کاش می‌تونستین پاک‌شون کنین، اما حقیقت داشتن. و این شعرا روی صفحه‌های غم‌انگیز نوشته شدن. گاهی آرزو می‌کنین کاش می‌تونستین چهره‌شونُ از خاطرات‌تون پاک کنین، چون بعضی وقتا فکر می‌کنین شبا راحت‌ترین اگه مدام قیافه‌شون به ذهن‌تون نیاد. اما به‌خاطرشون پشیمون نیستین، چون وقتی به خاطرات‌تون فکر می‌کنین، یادتون می‌افته که همچین آدم فوق‌العاده‌ای اون بیرون وجود داره. و اگر چه این دفعه رابطه‌تون جواب نداده، اما شاید یه روز یه آدم بهتری‌یُ پیدا کنین. این فصل اختصاص داره به شعرای عاشقانه‌ای که از به‌یاد آوردن‌شون می‌ترسین و به این فکر می‌افتین که چقدر دل‌تون براشون تنگ شده. و بله. شما واقعاً دل‌تون براشون تنگ شده. و اجازه دارین که همچین چیزی‌یُ به زبون بیارین حتی اگه اونا دل‌شون برا شما تنگ نشده باشه.

CamScanner

باورم
نمی‌شه
که
دستای
سردت
چه گرمایی
به **دل من**
می‌بخشه.

CamScanner

وقتی دارم می‌رم سمت ماشینم

از سرما می‌لرزم

و تو مجبورم می‌کنی

کاپشنتُ بگیرم

و خودت

اون روی دوشم می‌ندازی

ممنون

که حواست بهم هست

و با **لجبازی** من

کنار می‌یآی

CamScanner

باورم

نمی‌شه

بعد از

تموم

اون‌چه

از سر گذروندم

با یکی

مثل تو

آشنا شدم.

CamScanner

خونواده می‌تونه
به‌معنای کسی باشه که
حاضرین براش بجنگین.

CamScanner

تو الان دیگه جزو خونواده‌ی من هستی.

چون

ما همگی حاضریم

برات همه‌کار بکنیم.

هر چیزی که لازم داشته باشی برات فراهم می‌کنیم.

ما همیشه کنارتیم.

CamScanner

تو
خونه‌ای داشتی
از سیمان و آجر
که دست آخر رها شد
اون
با دستای خودش
از چوب و گل
خونه‌ای برام ساخت که
از همه‌ی خونه‌های توی جاده
توش بیشتر زندگی جریان داره.
ـــ پول همه چیز نیست.

CamScanner

قبل از اینکه

عاشق بدنت

و کیف پولت

بشم

عاشق

ذهن

و روحت

شدم.

ـــ حقیقته

CamScanner

قلبت هم

مثل **وعده‌هات**

پوچ و تو خالی‌یه.

CamScanner

مطمئن نیستم

عشق چی‌یه

چون ذهنم

پیشتر گولم زده،

اما

اگه اون چیزی باشه

که فکر می‌کنم،

پس **من عاشقتم**.

CamScanner

پسر اشکی می‌ریزه

و زیر لب خداحافظ می‌گه

و دختر همین‌طور اون‌جا می‌شینه

و تماشا می‌کنه که چطور

چشم پسر دیگه برق نمی‌زنه

CamScanner

کاش می‌تونستم

زمانُ متوقف کنم

و تمام عمرم

توی این **لحظه**

باهات بمونم.

CamScanner

شب در سکوت فرورفته

آروم آرومم

نشستم برای تو

که الان **خوابیدی**

شعر می‌نویسم

CamScanner

چی به سر

من و تو اومد؟

CamScanner

خیانت.

فعل

قرار دادن دیگری در خطر از طریق فاش کردن اطلاعات نزد دشمن.

CamScanner

امیدوارم از من خیلی درس‌ها گرفته باشی

اما شرط می‌بندم هیچی یاد نگرفتی.

CamScanner

نامه‌های عاشقانه روی زمین

وای واقعاً دلم می‌خواست که در خونه‌رُ می‌زدی

CamScanner

رزها قرمزن

بنفشه‌ها آبی

و من فکر می‌کنم که

می‌خوامت حسابی.

CamScanner

حتی اگه قلبمُ

خورد و

خاکشیر

می‌کردی،

بازم هیچ‌وقت

پشت سرت بد نمی‌گفتم.

ـــ بدی‌ای نیست که بگم

CamScanner

گیج شدم

تو روم باهام مهربونی

دوست‌داشتنی و شیرینی

اما به‌محض اینکه

رومُ برمی‌گردونم

انگار وقتی در موردم با بقیه حرف می‌زنی

یه آدمه دیگه‌ای.

ـــ دو رو

CamScanner

با تمام اینا

هنوز

وقتی به چشمات

نگا می‌کنم

نمی‌تونم

جلوی **لبخندمُ** بگیرم.

CamScanner

هرچیزی که دوست دارمُ امتحان کردم

حتی سخت‌تر تلاش کردم

بارها و بارها

به امید اینکه یه‌روزی

تو دیگه جایی در صدر فهرستم

نداشته باشی

CamScanner

ولی بعد از تموم اینا،
مطمئن نیستم که
دیگه منُ بخوای.

CamScanner

احساسام از بین نرفتن

حتی رشد کردن و بیشتر شدن

ناراحت کننده‌ست که می‌بینم

تو مسیر متفاوتیُ می‌ری

CamScanner

من همیشه می‌خوامت

CamScanner

چون ازت خوشم می‌یاد نیست که اینجام

من کنارتم

چون تو اینجایی،

و اون نیست

ـــ دوباره سر خونه‌ی اول برگشتن

CamScanner

درد داره

ـــــ وقتی سرسری می‌گیرنت

CamScanner

جفت‌مون فکر میکردیم که با هم یه‌نظر داریم
و داریم یه صفحه‌ی کتابُ می‌خونیم
اما معلوم شد کتابامون با هم فرق داره

CamScanner

تویی

همیشه تو بودی

همیشه تو خواهی بود

CamScanner

افسار قوه‌ی تخیلم

از دستم دررفته

اگه هنوز فکر می‌کنم

برمی‌گردی

CamScanner

حقیقتاً موضوع اینه

آخرین کسی که قبل از خواب

بهش فکر می‌کنی، کی‌یه.

ـــ همیشه تویی

CamScanner

می‌تونم حواسمُ با فیلم‌دیدن پرت کنم

می‌تونم حواس خودمُ با فیلم‌درست‌کردن پرت کنم

می‌تونم حواس خودمُ با گوش دادن به آهنگ

حرف زدن با آدمای جدید

یا بازی کردن با گربه‌م پرت کنم

اما آخر سر قضیه اینه که

وقتی تنها تو ماشینم نشستم

حواسم به چی‌یه

و خب معمولاً به توئه.

CamScanner

نمی‌شه قسمتای سختُ رد کرد و زد جلو

چون همونا به رشد کردن‌مون کمک می‌کنن

CamScanner

لیاقت تو
بیشتر از کلمه‌های قشنگی‌یه که
درموردت روی کاغذ می‌نویسم
تو فقط به‌خاطر اینکه
این هوا رُ نفس می‌کشی
و منظره‌ی باشکوه و چشم‌نوازی روی زمین هستی
حقته که دنیا رُ دو دستی تقدیمت کنن

CamScanner

عشق.

قهوه‌ی کوچیکی‌یه که پیش از دراز کشیدن تو ساحل می‌نوشیدیم
حوضچه‌های آبی‌یه که توشون ماجراجویی می‌کردیم
جایی‌یه که من بهش می‌گم «چشم‌انداز دیدنی» و منظره‌ی مورد علاقه‌مُ داره
همه‌شون جاهای فوق‌العاده‌ای‌ین که با هم رفتیم
اما جای مورد علاقه‌م
هر جایی‌یه که با تو باشم.

CamScanner

وقتی با توام

به فضا خیره می‌شم

ازم می‌پرسی فکرم کجاس

لبخند می‌زنم و چیزی نمی‌گم.

بذار یه راز کوچولویی رُ بهت بگم

فکرم پیش توئه

قلبم پیش توئه

و اضطرابم نمی‌ذاره به این چیزا اعتراف کنم

منُ ببخش

حتماً فکر می‌کنی مشکلی هست.

اما دهنم به گفتن اون سه کلمه باز نمی‌شه

وای پسر،

حقیقت داره،

من واقعاً عاشقتم.

CamScanner

هر بار که می‌گی
دوستم داری
حس اولین باریُ داره که
این کلمه‌ها از دهنت خارج شدن.
ـــ هیچ‌وقت دل آدمُ نمی‌زنه

CamScanner

۱) جدایی قراره چی‌کار کنه مثلاً؟

۲) واسه چند وقت؟

۳) اصلاً منُ می‌خوای؟

۴) قراره یه‌مدت کوتاه باشه یا واسه همیشه جدا می‌شیم؟

۵) فکر می‌کنی من برات بهترین انتخابم؟

۶) چرا؟

۷) باشه، می‌فهمم. ببخشید، اذیتت کردم

ـــ گفت‌گومونُ این‌طوری تصور می‌کنم

CamScanner

تقریباً
تمام جورچینُ
تکمیل کردم
تنها تیکه‌ای
که نیست
تویی.

CamScanner

۱۱ فوریه ۲۰۱۸

هر موقع که تو حاضر باشی، من حاضرم. همه چیزُ برای وقتی که برمی‌گردی، قشنگ آماده کردم. اما به دلایلی، یه صدایی پس سرم به‌هِم می‌گه که تو هیچ‌وقت برنمی‌گردی و از رابطه‌مون می‌گذری. آخه، هر چی نباشه، همه‌شون همین کارُ کردن. ولی آهای، نمی‌دونم فرقی می‌کنه یا نه، من آمادگی برگشتتُ دارم.

همیشه آمادگی برگشتن تو رُ دارم.

CamScanner

ابدیت

بی‌انتها.

CamScanner

دارم کلی در موردت می‌نویسم و **هیچ‌وقت** دلم نمی‌خواد که ببینی‌شون. چون می‌دونم تو مقصر نیستی و می‌دونم نوشته‌هام تند و تیزه، ولی بیشترشون فیلم‌نامه‌هایی هستن که تو سرم در مورد تو شکل می‌گیرن و مسلماً امیدوارم که آخرش **درست** از آب درنیان.

CamScanner

من

چی

کار

کردم؟

ـــ بهم بگو تا بتونم درستش کنم

CamScanner

به‌محض اینکه
به یکی نشون بدی
حاضری براش
هر کاری بکنی
ممکنه
ازت سوءاستفاده کنن.

CamScanner

دوست داشتن

قبلاً خیلی آسون بود

الان چرا

این همه سخت شده؟

CamScanner

اگه همه چی خوب بوده

چرا الان باید مدتی‌یُ از هم جدا شیم؟

آخرش سر از همون خونه‌ای درمی‌یاریم

که قبلاً بودیم.

CamScanner

چرا هنوز کنارم قدم می‌زنی

اما جوری رفتار می‌کنی انگار من هیچی نیستم

جدیداً خیلی خسته‌کننده شدی

می‌خوام یه چیزی بگم

اما صدایی از گلوم درنمی‌یاد.

CamScanner

دقیقاً

همونی شدی

که گفتی

هیچ‌وقت نمی‌شی.

CamScanner

من هنوز دلم می‌خواد باهات باشم

هرچند که احساساتت حقیقی نیستن.

CamScanner

خوشم می‌یاد واقعاً اهمیت می‌دم

واقعاً ممنونم از دلم تنگ شده

واقعاً خوشم می‌یاد

می‌پرستم دلم می‌خواد

دوسِت دارم.

CamScanner

شاید یه‌کاری کردم

شاید تازه متوجه شدی

شاید بهت صدمه‌ای زدم

شاید من آدم بده هستم

شاید بدون من روبه‌راه‌تر باشی

___ امان از این شایدها

CamScanner

غریبه> صمیمی> غریبه

CamScanner

بی‌سروصدا پیش خودم فکر می‌کنم
که ذوق دارم زودتر قضیه رُ برات تعریف کنم
اما بعد متوجه می‌شم
که تو رفتی
و من دوست صمیمی‌مُ
از دست دادم.

CamScanner

عشق

چیزی

بیش

از

یه

کلمه‌ی

سه حرفی‌یه.

CamScanner

همون‌جوری که سعی می‌کنی نفست جا بیاد

عاشق می‌شی،

آروم آروم و بعد یه‌دفعه‌ای،

و حواست نیست عاشق شدی

تا وقتی که یه بار دیگه می‌ره.

CamScanner

وقتی به فضا احتیاج دارین که اوضاع رابطه خوب نیست

وقتی به فضا احتیاج دارین که از دعوا کردن خسته‌این

وقتی به فضا احتیاج دارین که هر دوتون زمان لازم دارین

وقتی به فضا احتیاج دارین که نمی‌تونین کنار هم التیام پیدا کنین

من به فضا احتیاج ندارم

تو می‌گی به فضا احتیاج داری

فکر کنم با هم هم‌نظر نبودیم.

CamScanner

تنها چیزی که

از **دهنت**

خارج می‌شه

شرُورِ

محضه.

CamScanner

کاش می‌شد از نوشتن در موردت دست بردارم

اما گویا کلمات ساز خودشونُ می‌زنن.

CamScanner

اولش فکر می‌کنی خیلی ساده می‌تونی قیدشُ بزنی، ولی نمی‌تونی. اسمش بارها و بارها توی‌ِ مغز کوچیکت تکرار می‌شه، شبیه آواز می‌شه. تا اینکه دلت از این آوازی خسته می‌شه که فقط درهم می‌شکنت. هر روز بیشتر قیدشُ می‌زنی و دیگه تو جمعیت دنبالش نمی‌گردی. وقتی کامل قیدشُ زدی که آهنگای عاشقانه که پخش می‌شن، دیگه برات فقط یه آهنگن. وقتی کامل قیدشُ زدی که هر جایی که با هم رفتین، برات یه جای تازه‌س که توش خاطره بسازی. روزبه‌روز بیشتر پیش می‌ری. آروم‌آروم قیدشُ می‌زنی، با بیشتر رسیدگی کردن به روابط دوستانه‌ت و خونوادت قیدشُ کامل می‌زنی. با دوست داشتن خودت قیدشُ می‌زنی. تنهایی قیدشُ می‌زنی، نه با آوردن یه‌آدم جدید تو زندگیت. وقتی قیدشُ می‌زنی که می‌فهمی ارزشت بسته به یه‌آدم دیگه نیست. فکر می‌کنی قیدشُ زدی تا اینکه اتفاقی توی یه فست‌فود شلوغ می‌بینیش یا یه‌موقعی تو روز و نمی‌تونی توضیح بدی چرا همچین چیزی آزارت می‌ده. آخه فکر می‌کردی قیدشُ زدی. تا اینکه می‌بینیش و تمام خاطره‌هایی که فراموش کرده بودی، برات زنده می‌شن و یادت می‌افته چه‌قدر دلت براش تنگ شده. روزبه‌روز بیشتر پیش می‌ری. وقتی کارهایی‌ُ که دوست داری، انجام می‌دی، به امید اینکه اسم اون از بالای فهرست چیزای مورد علاقه‌ت پاک بشه و قیدشُ بزنی. وقتی می‌فهمی به‌یه‌دلیلی ترکت کرده، قیدش می‌زنی. و شاید اون دلیل به این معنا باشه که دیگه برنمی‌گرده. وقتی قیدشُ می‌زنی که می‌فهمی هر کدوم‌تون داشتین یه کتاب جدا می‌خوندین، در حالی‌که فکر می‌کردی مشغول خوندن یه صفحه از یه کتابین.

CamScanner

جای

نیمه‌های

گم‌شدهٔ

پر کن

CamScanner

انگاری که

تو تمام شور و شوقمُ کشتی

اما هنوز **دوسِت دارم**.

ـــ سوءاستفاده

CamScanner

یه‌جوری دوستِ دارم

انگار نه انگار که صدمه دیدم

CamScanner

نمی‌تونی کسی‌یُ مجبور یا متقاعد کنی که دوسِت داشته باشه.

خودشون باید بهش برسن.

CamScanner

ازدواج

مثل خونه ساختن با هم‌دیگه‌ست

دعواهای کوچیک

دعواهای بزرگ

توافق

شادی

همه‌ی اینا هست

و وقتی خونه تکمیل می‌شه

مثل ازدواج می‌مونه

وقتی که ساختش تموم شه

هر دوتون

تغییرات کوچیک یا بزرگ

توش ایجاد می‌کنین

و با هم

اگه بشه تا آخر عمرتون

توی اون

زندگی می‌کنین

CamScanner

دوسِت دارم

ـــــ وای.

CamScanner

من دیوونه نیستم

فقط اذیت شدم.

CamScanner

وقتی لبخند می‌زنی

قلبم

پر از شادی می‌شه

CamScanner

مغزم پره از

فکر تو و من

و چیزی که

اگه تو نمی‌رفتی

می‌تونستیم با هم داشته باشیم.

CamScanner

«همیشه برمی‌گردن.»

ـــ فقط این دفعه نه

CamScanner

الان می‌فهمم

چرا می‌گن

تو دام عشق افتادن

چون از یه جایی به‌بعد

خودتُ نگه‌داشتن سخته

و وقتی که به‌دام افتادی

کلی وقت می‌بره

تا بتونی خودتُ آزاد کنی

اما وقتی عاشقی

حس می‌کنی

داری پرواز می‌کنی

اوج می‌گیری

و از دامی که توش افتادی

بیرون می‌یای.

CamScanner

شاید دلمُ شکسته باشی،

ولی معلومه که من اونقدرام به‌هم نریختم،

هنوز دلم می‌خواد بهت نشون بدم که اهمیت می‌دم.

ـــ من لعنتی هیچ‌وقت درس نمی‌گیرم

CamScanner

دلم می‌خواد پیشت گریه کنم

ولی نمی‌تونم

چون اگه باهات بودم

نمی‌تونستم

جلوی لبخند زدنمُ

بگیرم.

CamScanner

فقط باید قوی‌تر باشم

و موضع خودمُ

در برابر تموم این تهدیدایی که

می‌کنی

حفظ کنم.

CamScanner

لبای منُ

به این شکل طبیعی درمی‌یاری

و من نمی‌دونم

چطور این کارُ می‌کنی

ـــ لبخند

CamScanner

تو

ـــ با شکوه‌ترین شعر تک کلمه‌ای

CamScanner

مهم‌تر از همه اینکه،

تو همون کسی هستی

که هیچ‌وقت دلم نمی‌خواد از دست بدم.

ـــ هر چند که از دست دادم

CamScanner

گفتی که با **من**

خودتُ گم کردی.

ـــ این تقصیر منه؟

CamScanner

دلم می‌خواد که دلت منُ بخواد

CamScanner

همیشه به حرف آسون‌تر از عمله،

آسونه به **یکی** بگی دوسش داری

ولی وقتی بهت نیاز داره

بهش پشت کنی

اما سخت‌تر اینه که

دوستش داشته باشی

ولی حتی اسمشُ

از سرت بیرون کنی

CamScanner

من از تو

و هر تصمیمی که بگیری

حمایت می‌کنم

حتی اگر

به‌معنای اذیت‌کردن خودم باشه.

هنوز دوستِت دارم.

CamScanner

هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم

این‌جوری

یا این‌قده **سریع**

تموم بشه.

CamScanner

تقدیر نبوده که

من و تو

کنار هم باشیم

حتی اگه

خودمون می‌خواستیم

کنار هم باشیم

CamScanner

لطفاً

لطفاً

منُ

ترک نکن

CamScanner

می‌گن که اگه قسمت هم باشین، برمی‌گرده،

ولی برعکس،

من فکر می‌کنم که اگه واقعاً دوستِ داشت

هیچ‌وقت نمی‌رفت.

CamScanner

عشق وقتی‌یه که

دیگه کاری واسه باهم‌انجام‌دادن ندارین،

اما هیچ‌وقت

حوصله‌تون از هم سر نمی‌ره.

ـــ تو حوصله‌ت سررفت

CamScanner

ترکم کن

اگه این چیزی‌یه که

واقعاً می‌خوای.

ـــ ولی زندگی هنوز می‌تونست راه به جایی ببره.

CamScanner

روی هر قطره اشکی که

از چشمم می‌چکه

اسم تو نوشته.

CamScanner

وانمود می‌کنم برام مهم نیست

چون آخه به‌نظر تو، من اصلاً وجود ندارم

CamScanner

خواهش می‌کنم به‌هِم بگو

که همه چی

درست می‌شه.

CamScanner

به پسری که هنوز دوستش دارم

متاسفم

CamScanner

۸ فوریه ۲۰۱۸

همه‌مون گند می‌زنیم،

ما آدمیم

بعضی وقتا حس می‌کنم

من فرای مرزای حماقت گند زدم

تموم چیزی که می‌دونم اینه که

من به حرف دلم گوش می‌دم

و اون همیشه منُ به بهترین سمت‌وسوها هدایت نمی‌کنه...

CamScanner

بعضی وقتا امیدوارم یاد من بیفتی، وقتی روی سیب‌زمینی سرخ کرده‌ت مایونز می‌ریزی. بعضی وقتا امیدوارم آسمون صاف و آبی‌یُ ببینی و موقع دیدن هم‌چین روز زیبایی برق چشمای **من** یادت بیاد. بعضی وقتا با خودم فکر می‌کنم اصلاً چهره‌ی من یادت هست توی تموم خاطره‌هایی که با هم داشتیم. بعضی وقتا آرزو می‌کنم کاش هنوز اینجا بودی، ولی اگه دلت می‌خواست باشی که خب بودی. اما نه، تو تصمیم گرفتی که بری.

CamScanner

حرف نزدن با من

به هیچ‌جایی

نمی‌رسونتت.

CamScanner

عشق حقیقی

یعنی جنگیدن

و بر اومدن از پس

سخت‌ترین شرایط

ـــ فکر کنم واسه تو حقیقی نبود.

CamScanner

همون

باید به حرف دلم

گوش می‌کردم

CamScanner

همیشه ازم می‌پرسی

«نگاه خاص» یعنی چی؟

«نگاه خاص» یعنی

باورم نمی‌شه

یه نفر به فوق‌العادگی تو

داره وقتش

با یه نفر مثل من می‌گذرونه

«نگاه خاص» یعنی

وقتی بهت نگا می‌کنم

به چشم من

تو تنها آدم تویِ دنیایی

«نگاه خاص»

مال وقتی‌یه که

با کلمه‌ها نمی‌تونم وصفت کنم

که چه‌قدر

دوست دارم.

CamScanner

چی شد که دوباره

این‌قده تک و تنها شدم؟

CamScanner

بی‌خیال من نشو

من می‌تونم همون چیزی باشم که

تو احتیاج داری

CamScanner

تو

یه شاهکار متحرکی

CamScanner

همیشه کلی فکر تو سرمه

مدام اذیتم می‌کنن

حرفایی‌ُ تکرار می‌کنن که تو می‌گفتی

CamScanner

نشستیم تو باغی از قاصدک و چمن

همین‌طور زمانُ نگاه می‌کنیم

که می‌گذره تیک‌تاک‌کنان و رد می‌شه

CamScanner

مدام یه‌خوابُ می‌بینم، تو رُ از دور می‌بینم و قدم‌زنان به‌سمتت می‌یام. هرچی نزدیک و نزدیک‌تر می‌شم، باهات ارتباط چشمی برقرار می‌کنم و می‌افتم توی یه‌گودال عمیق... بعد از خواب بیدار می‌شم. آخرین تصویری که صبح توی سرَمِه تویی که داری تماشا می‌کنی، من درمونده می‌افتم توی این‌گودال و جیغ می‌کشم و فریاد می‌زنم. وقتی تماشام می‌کنی، چهره‌ت هیچ‌حالتی نداره و اصلا تو قیدوبند کمک کردن به‌من نیستی.

ـــ شاید این خواب داره خبری‌یُ از پیش می‌ده؟

CamScanner

اگه

گذشتن ازش

اون‌قده

راحت بود

که اسمش

عشق نمی‌شد،

می‌شد؟

CamScanner

دیروز برات دو تا شعر عاشقانه نوشتم

لوله‌شون کردم و یه‌روبان به‌شون زدم

و می‌خواستم یه‌جا قایم‌شون کنم که پیداشون کنی.

امیدی که دیروز داشتم اون‌قده الهام‌بخشم بود که

با خودم فکر کردم برات یه‌کاری انجام بدم

امروز صبح برای اولین بار دلم شکستی،

می‌گم اولین بار چون اگه کوچیک‌ترین شانسی برای برگشتنت باشه

من می‌پذیرم

بهت احتیاج دارم

حتی به‌عنوان یه‌دوست

لازم ندارم برای خودم تنهایی وقت بذارم

لطفاً بفهم

می‌تونی برگردی و هر چه‌قده که خواستی به‌هِم صدمه بزنی

و تنها چیزی که می‌دونم

اینه که هیچ‌وقت دست از **دوست داشتنت** نمی‌کشم.

ـــــ یه تراژدی

CamScanner

این دل‌شکستگی

اصلاً شبیه بقیه‌شون نیست

چون این دل‌شکستگی

جوری‌یه که

می‌دونم تو زیر بارش نمی‌رفتی

ـــ مزخرفه

CamScanner

فقط می‌خواستم بدونی،

من **هر وقت** بخوای اینجام،

هر موقع که به‌هِم احتیاج داشتی

فقط کافی‌یه به‌هِم پیام بدی

و من جواب می‌دم،

حتی اگه فقط می‌خوای از روزت بگی یا در مورد یه‌چیز احمقانه

صحبت کنی

من اینجام

و

حالا حالاهام قصد رفتن ندارم

(مگر اینکه تو ازم بخوای)

ـــ هیچ‌وقت دست از دوست داشتنت نمی‌کشم

CamScanner

«هیچ‌وقت به‌هِت صدمه نمی‌زنم.»

«هیچ‌وقت ترکت نمی‌کنم.»

ـــ دو تا از بزرگ‌ترین دروغا، حتی اگه از قصد گفته نشن

CamScanner

متنفرم.

متنفرم از اینکه هنوز عاشقتم

می‌دونم تقصیر تو نیست

و واقعاً آرزومه که هنوز تو آغوشت بودم

ولی هِی

شاید یه‌روز جواب بده

شاید فقط به‌زمان احتیاج داریم

ـــ خوش‌بینی

CamScanner

حاضرم هنوزم

به‌خاطرت بجنگم

ولی نمی‌دونم

تو هم اینُ می‌خوای

یا نه

CamScanner

حاضرم هنوز

به‌خاطرت هر کاری بکنم

ولی نمی‌دونم

تو هم اینُ می‌خوای

یا نه

CamScanner

سیاه و سفید

ولی این که زندگی نیست

ـــ قسمت خاکستری

CamScanner

تا حالا شده

کسی رو اون‌قده دوست داشته باشی

که براش فقط بهترینا رُ بخوای؟

بعدش هم متوجه بشی

که شاید تو

براش بهترین نیستی.

ـــ نتیجه‌گیری‌ای که بیشتر از همه دل آدمُ می‌شکونه

CamScanner

می‌گن اگه چیزی‌یُ دوست داری

رهاش کن

ولی

پس چرا

این باعث ناراحتی جفت‌مون شده؟

CamScanner

الان دیگه

فقط یه **غریبه‌ای**

که از تموم

اسرار

و

رؤیاهای من

با خبره

CamScanner

اگه چیزی دلتُ می‌شکنه،

پس چرا فقط نشستی و تماشا می‌کنی؟

«چون امیدواریم دفعه‌ی بعد

سرانجام دیگه‌ای داشته باشه.»

CamScanner

فکر کردم که دیگه رو به راهم

تا اینکه دیدمت

CamScanner

می‌گن که هیچ‌وقت ترکت نمی‌کنن

تا وقتی‌که بالاخره ترکت می‌کنن

حتی اگه دل‌شون نخواد

اون‌ها فکر می‌کنن، می‌دونن چی واسَت بهتره

ـــ ولی نمی‌دونن

CamScanner

برای همسری که هنوز دوسش دارم،

شعرهای بیشتری برات نوشتم

ولی خبر نداری

حقیقت اینه که هنوز دوستِ دارم

بیشتر از اونی که فکرشُ بکنی.

فکرت دلم به‌هم نریخته

ولی خاطره‌هات توی سرمه.

صورتت

لبخندت.

وای خدایا اون لبخندت

همونی که شب تا صبح می‌تونستم بهش خیره بشم

هیچ‌وقت فراموشت نکردم

چون هیچ‌وقت حس نکردم که لازمه

فقط فکر کردن بهت

تو دلم غوغا می‌کنه

فقط یه‌عکس ازت

لبخند به لبم می‌یاره

با اینکه باید یه‌کم دل‌مرده‌م کنه

فقط تو.

فکر اینکه هنوز می‌تونیم باشیم

همون‌چیزی که یه‌زمان بودیم

برق امید توی چشمام

از اینکه یه‌روز دوباره به‌دستت می‌یارم

اما چیزی که داره منُ می‌کشه

اینه که نمی‌تونم رِزِروِت کنم

چون تو کتاب کتاب‌خونه

یا میز یه غذاخوری شلوغ نیستی

و بدتر از همه اینکه،

تو دیگه

مال من نیستی.

مدام به خودم می‌گم

«تقصیر ما نبود»

مدام به خودم می‌گم

«تقصیر من نبود»

مدام به خودم می‌گم

«تقصیر زمان بود»

با این حال ذهن آشفته‌م به‌هِم می‌گه

می‌تونستی کسی‌یُ پیدا کنی که بیشتر دوسِت داشته باشه

که مهم نیست چند بار بهم گفتی من همه چی تمومم

ولی می‌دونستم که می‌تونی یکی دیگهُ پیدا کنی

شاید بیش از اونچه که کلمه‌ها قادر به وصفش باشن، دوسِت داشته باشم

و این هیچ‌وقت باعث نمی‌شه که شبا دیگه بهت فکر نکنم

یه عالمه شعر در موردت نوشتم

ولی خبر نداری.

CamScanner

فکر می‌کردم تو

همه چیزم می‌شی

ولی رفتی‌یُ منُ

با هیچی **تنها گذاشتی**.

CamScanner

قلب هر دوی ما

هر کدوم یه‌جور شکست،

افسوس...

حالا تیکه‌های شکسته‌شده‌مون

مثل پازل باهم جفتُ جور نمی‌شن

ـــ باید تیکه‌هایی که کم داریم جای دیگه‌ای پیدا کنیم.

CamScanner

ببخشید

اگه بیش از حد بود

CamScanner

هشدار لو رفتن داستان:

خیلی می‌خواستش

ولی هیچ‌وقت بهش **احتیاج** نداشت

CamScanner

فصل ۳
صفحه‌های سیاه‌تر

بدونین که:

این فصل اختصاص داره به صفحه‌های سیاه‌تر. صفحه‌هایی که آدما جرأت ندارن در موردشون بنویسن. اینا صفحه‌هایی هستن که باعث تفاوت و تمایز من می‌شن. چون دیگه بیشتر از این اونا ر توی تاریکی نگه نمی‌دارم. من اینا رُ نوشتم ولی هیچ‌وقت به کسی نشون ندادم. الان دارم نشون می‌دم. بهترین نصیحتی که شنیدم این بوده که در مورد چیزایی که بیشتر از همه می‌ترسین، به زبون‌شون بیارین و بنویسین. اینا چیزایی هستن که من می‌ترسم به زبون بیارم‌شون. می‌ترسم از آدمایی که بعد از خوندن این‌ها درک متفاوتی از من دارن. از اینکه ترحم تو چشماشون ببینم. من ترحم شما رُ نمی‌خوام. اینا صفحه‌هایی هستن که هیچ‌کس حرفی در موردشون نمی‌زنه. از قبل بهتون بگم: «این صفحه‌ها ممکنه برای بعضی‌ها زیادی ناراحت‌کننده بشن، این صفحه‌ها اینجا آورده شدن تا نشون بدم اینا احساسات و افکار واقعی‌ین. اگه به خودکشی تمایل دارین، لطفاً کمک بگیرین یا با خط ویژه تماس بگیرین. خواهش می‌کنم بدونین که شما تنها نیستین. هیچ‌وقت تنها نیستین. اگرچه حس می‌کنین که دارین بین هفت‌میلیارد نفر جمعیت روی زمین، تو خفا رنج می‌کشین، اما شما تنها نیستین.

از صفحه‌های سیاه‌تر لذت ببرید.

CamScanner

ثبت شده در: ۷ فوریه ۲۰۱۸

یکی از روزهای سیاه‌تر

فکر کنم مدتی می‌شد که این‌قده احساس تنهایی نکرده بودم. امروز صبح سه ساعت زودتر از زنگ‌زدن ساعتم بیدار شدم. امیدوار بودم، دعا دعا می‌کردم که اتفاقی نیفتاده باشه. که سه‌شنبه ششم فوریه از خواب بیدار شم و ببینم که همه چی فقط یه‌کابوس بوده. اما نبود، واقعیت بود. من یه‌نوجوون احمقم. شاید حتی آدم بی‌شرم‌وحیایی باشم، کی می‌دونه؟ ولی چرا زندگیم باید از یه برنامه‌ی خاصی پیروی کنه؟ چرا مثل عروسک خیمه‌شب‌بازی با من رفتار می‌کنن؟ چرا به چشم‌شون به اندازه‌ی کافی خوب نیستم؟ ذهنم به بیش‌ازحد فکرکردن عادت داره. ذهنم مستعد جنونه. خراشایی که روی دست و پام می‌ندازم، یه ذره هم اون دردی که توی سرم حس می‌کنمُ، ندارن. بیشتر وقتا خودمم می‌مونم که چرا تا حالا خودم نکشتم.

قبلاها خیلی خوشحال بودم، اما الان خیلی ناراحتم.

فکر نمی‌کنم خوشحالی من هیچ‌وقت اونقده‌ها طولانی بشه، فکر کنم واسه بقیه هم همین‌جوری‌یه. ناراحتی همیشه برمی‌گرده تا ذهن‌هامونُ تسخیر کنه.

درد هیچ‌وقت از بین نمی‌ره

اندوه تا ابد ادامه پیدا می‌کنه

بعضی وقتا به این فکر می‌کنم که چرا مردم به‌مرگ به‌چشم یه‌تراژدی نگا می‌کنن. خودِ مرگ که تراژدی نیست، تمام چیزایی تراژدی‌ان که به مرگ منجر می‌شن.

CamScanner

Scanned with CamScanner

نمی‌دونم کدوم بیشتر درد می‌کنه

قلبم

یا

سرم؟

ـــ سردرگمی

حتی

شادترین

اوقاتم

واقعیتی

دروغینن

شاید اگه
خودمُ بکشم
دیگه اون‌قده
نگران **من** نباشی.

CamScanner

بدجوری درد داره

ـــ دل‌تنگ شدن برات

CamScanner

;

CamScanner

محض توضیح دادن اینکه چرا صفحه‌ی قبلی یه نقطه‌ویرگول گذاشتم

باید بگم که نویسنده وقتی نقطه‌ویرگول می‌ذاره که می‌تونست جمله‌ش رو تموم کنه، اما نکرده.

یه کم به‌چیزی که گفتم فکر کن

CamScanner

می‌دونی عاشقت بودم دیگه، نه؟

«و چی عوض شد؟»

هیچی.

شاید

جنون

دستِ کم گرفته شده.

CamScanner

من **قوی‌ام**

هیچ‌وقت **اشک ریختنمُ**

ندیدی حتی بعد از تموم ماجراهایی که

داشتیم و این به‌خاطر اینه که به‌محضِ اینکه بری

من بیشتر از اون چیزی که فکرشُ بکنی، اشک می‌ریزم،

اما اونقدر قوی‌ام که بغضم جلوی تو نگه دارم تا هیچ‌وقت اذیتت

نکنه.

CamScanner

بذار به اندازه‌ی کافی غذا بخورم

تا بتونم تو غم و غصه‌هام غرق بشم

CamScanner

به جنازه‌م بخند

– هیچ‌وقت آدم نمی‌شن

حالم خوب می‌شه

فقط شاید امروز نه

CamScanner

نمره

از

روح و روانم

مهم‌تره

CamScanner

۲:۴۵ بعدازظهر

کیتلین، اون‌قده باهاشون دردِدل نکن و بهشون اعتماد نکن، دست آخر هی بیشتر و بیشتر می‌شکنن و خوردت می‌کنن تا اینکه یه روز هیچی ازت نمی‌مونه.

CamScanner

من

بی‌عیب و نقص

نیستم

و

هیچ‌وقت هم

نخواهم بود

CamScanner

عشق یه‌طرفه

همون عشقی‌یه که

همه‌مونُ داغون می‌کنه.

CamScanner

دوباره

دلمُ انداختن

توی جو.

CamScanner

پسرایی که قول همه چی‌یُ بهت می‌دن

و بعد با هیچی ولت می‌کنن، اژدهان

من دارم بهت قول می‌دم و باهات قرار می‌ذارم ولی تو اصلاً حواست نیست.

CamScanner

اگه تو بخوای

برات می‌میرم

اگه تو بخوای برات می‌جنگم

ولی اگه من بخوام

تو این کارها رُ می‌کنی؟

CamScanner

چهار سال گذشته

و من هنوز

نمی‌خوام اینجا باشم

CamScanner

این همه حرف که کاشکی می‌زدم.

CamScanner

بی‌سروصدا فریاد می‌کشم.

CamScanner

اصلاً عین خیالت هست؟

CamScanner

همین‌جور می‌ذارم بهم صدمه بزنن
و هیچ‌کاری هم نمی‌کنم
که جلوشونُ بگیرم.

CamScanner

با

این

همه

سکوت

داری

من

می کشی.

CamScanner

خط‌خطی می‌کنم روی پوستم

و جوری رفتار می‌کنم که انگار روبه‌راهم.

CamScanner

به‌نظرت

چقدر **خودخواه** بودم

اگه همینجوری یهو

می‌ذاشتم و **می‌رفتم**؟

CamScanner

چرا من؟

آهای

آهای

آهای

حدس بزن چی شده

منم آدمم!!

CamScanner

می‌پرسن چطورم

می‌گم خسته‌م

ولی نمی‌پرسن

از چی خسته‌م.

CamScanner

بعضی وقتا خودمم می‌مونم که کی‌ام... البته بیشتر وقتا. اونقده عادت کردم پیش آدمای مختلف نقابای جورواجور به‌چهره بزنم و وقتی کلی درد دارم، الکی لبخند بزنم که... از خودم می‌پرسم: «من؟ کی؟ هستم؟»

باید یه‌قدم برگردم عقب، ارزیابی کنم و تصمیم بگیرم چی به چی‌یه. چی باعث می‌شه که من... من باشم؟ چه ویژگی‌یایی دارم؟ به‌نظر بقیه چه‌جوری‌یم؟ آخرِسر به این نتیجه می‌رسم که دست از زیر و بالا کردن ذهنم و دیوونه بازی بردارم. بشینم سر جام و آروم بگیرم. اما من جزو اون دسته‌ی نادر از آدمام که واسه آروم گرفتن کلی باید بدبختی بکشم. ذهنم پرسه می‌زنه... می‌گن آدم خیال‌پردازم‌یم. زیادی می‌رم تو عمق مسائل. چه کنیم خب.

CamScanner

پولارویدهای ظاهرنشده [۲]

حرفای گفته‌نشده

قلبای عاشق‌نشده

نقشه‌های علامت‌زده نشده

پیامای شفاف‌سازی نشده

ـــ مسیر رسیدن به‌یه‌روح شکسته

CamScanner

لبخندش

می‌درخشه

چون نمی‌خواد

کسی

دردی که

زیرش پنهونه ر

ببینه

CamScanner

حالش دیگه به‌هم‌می‌خوره

حالش از تمام این دروغا به‌هم‌می‌خوره

حالش از اینکه هی ناامیدش می‌کنن، به‌هم‌می‌خوره

حالش از اینکه این‌همه از خودش واسه یه چیزی مایه می‌ذاره

و آخرِسر بیشتر از قبل اذیت‌می‌شه به‌هم‌می‌خوره

حالش دیگه به‌هم‌می‌خوره

CamScanner

دیگه خسته‌شدم از اینکه

هر روز باید ببینم

چه نقابی باید بزنم

چون می‌ترسم

خود واقعی‌مُ نشون‌بدم

به کسایی که سعی‌می‌کنن

ازش سوءاستفاده کنن.

CamScanner

هشدار لو رفتن داستان:

اون هنوز

زنده‌س

و بعضی وقتا،

فقط بعضی وقتا...

یه لبخندی هم می‌زنه.

CamScanner

فصل ۴
درک کردن

این فصل در مورد چیزایی‌ست که بعد از یه‌اتفاق درک می‌کنین. وقتی فکر می‌کردین همه چیز عالی‌یه تا اینکه عمیق‌تر به مسائل نگاه کردین. بله. یه‌سری حرفا هستن که کاش **نمی‌نوشتم**. اما اونا همینن که هستن. شما هیچ‌وقت دل‌تون نمی‌خواد مسائل سخت و آزاردهنده درک کنین، دل‌تون می‌خواد آروم‌آروم و ملایم بهشون برسین. اما یه بار دیگه هم می‌گم، اینا حرف‌هایی‌ین که از نوشتن‌شون می‌ترسم. چیزایی هستن که بهشون رسیدم و یه‌وقتا شبا زندگی برام نمی‌ذارن. شعرهایی هستن که دوباره خوندن‌شون برام آزاردهنده‌ست. در حقیقت حرفایی هستن که کاش **نمی‌زدم**. از همون وقتی که نوشتم‌شون «مشغله‌ی ذهنی»م بودن اما به حقیقت تبدیل شدن. نه تک‌تک‌شون. بعضی‌یاشون. ولی خب هنوزم حسابه. ولی فکر نمی‌کردم بتونم به این خوبی آینده رُ پیش‌بینی کنم. از فصل **درک کردن** لذت ببرین.

CamScanner

سرم داره

می‌ترکه

از این همه

فکر کردن

به چیزی که

می‌تونستیم **باشیم**.

CamScanner

۱۰:۵۵ شب

دل‌تنگ شدن برات معمولاً رگباری‌یه

ولی امشب طوفانی‌یه

CamScanner

باهام

حرف

بزن

CamScanner

نمی‌دونستم

انقدر

دورانداختنی‌ام

CamScanner

اون شعری‌یه که

جرأت ندارم بنویسم

به‌زور چیزی می‌نوشتم

می‌ترسیدم کلمه‌هایی که

انتخاب کردمُ نگا بندازم

چون اون تنها کسی بود که

دیوانه‌وار عاشقش بودم

حتی اگر به این عشق

اعتراف نکنم.

CamScanner

من نمی‌تونم قهرمانت باشم

CamScanner

تو فکر می‌کنی

همه‌ی اینا بازی‌یه

و منم تو بازی

ورق موردعلاقه‌تم.

CamScanner

متنفرم که بگم

ولی بعضی وقتا

حس می‌کنم چون دوستم داشتی، نبود

که توی زندگیت بودم

حس می‌کنم توی زندگیت بودم

چون توجه می‌خواستی

و دلت می‌خواست تنهایی‌تُ پر کنی

از تو متنفر نیستم

فقط از این متنفرم که

نمی‌تونم داشته باشمت

CamScanner

فقط وقتی دوستم داشتی

که ضعیف بودم

چون باعث می‌شد

حس بهتری به خودت داشته باشی.

CamScanner

من **هیچ‌وقت** ازت **متنفر** نمی‌شم

حتی اگه یه‌جوری رفتار کنم

که انگار **هستم**.

CamScanner

اون یهویی اومد و منُ
دل‌باخته‌ی خودش کرد
و آخر سر منُ
گریون ول کرد.

CamScanner

«از کجا می‌دونی که دیگه تموم شده بود؟»

از اونجا که چشماش دیگه برق نزدن.

تنها تقصیر تو اینه که

منُ بدجوری

عاشق خودت کردی.

CamScanner

اونا با نظرهاشون می‌خوان صفحه‌های داستان عاشقانه‌مونُ بسوزونن

و از بین ببرن

ولی عزیزم، اونا صفحه‌هاییُ ندیدن که هیچ‌جوره آتیش نمی‌گیرن.

CamScanner

اگه من اونی بودم
که واقعاً دوستش داشتی
پس چرا تونستی
اون‌قده سریع
از خیرم بگذری؟
چرا همیشه من اونی‌یم
که آخرِسر دلش می‌شکنه؟

CamScanner

احتمالاً

بیشتر عاشق خاطره‌هایی

تا کسی که اون خاطره‌ها رُ

باهاش خلق کردی

باورم نمی‌شه

ولی عادت کردم که

اتفاقای غیرمنتظره

سرم بیاد.

CamScanner

هشدار لو رفتن داستان:

بعضی وقتا دیدن چیزایی که قبلاً حواست بهشون نبوده، خودخوری کردن عادتت می‌شه. بعضی وقتا همین بهت کمک می‌کنه تا اتفاقایی رُ قبل از افتادن‌شون پیش‌بینی کنی. با اینکه امیدواری اون اتفاقا نیفتن، ولی می‌افتن. بعضی وقتا هر چقده هم که از خودخوری کردن متنفر باشی، همون باعث می‌شه که دیگه جانخوری و غافلگیر نشی.

فصل۵
سوال‌انگیزی‌های این دنیای کوچیک

این فصل در مورد سوال‌انگیزی‌یای این دنیای کوچیکه. از اون‌جایی که فصلای قبلی در مورد دنیایی بودن که توی سرتون دارین، با خودم فکر کردم چرا یه فصل در مورد دنیای واقعی ننویسم. چه دنیای ساختگی، چه اونی که توش زندگی می‌کنیم. بعضی وقتا از این دنیا خوشم نمی‌یاد و درکش نمی‌کنم. به‌خاطر همین دنیای خودمُ می‌سازم. و این کار راحته، چون می‌تونم قوانین و افکار خودمُ داشته باشم. هیچ‌کدوم از آدمای منفی تو این دنیا جایی ندارن. دنیایی که توی سرم دارم، شلوغ پلوغه و اگه همین‌طوری در موردش حرف بزنم، می‌شه یه‌چیزی به اندازه‌ی یه‌کتاب دیگه. (شاید باید یه‌کتاب دیگه بنویسم.) این‌فصل درمورد دنیای درهم برهم و زیبائی‌یه که توش زندگی می‌کنیم. و همین‌طور در مورد دنیائی‌یه که توی ذهن‌مون داریم.

افتضاحه که یکی‌یُ دوست داشته باشی

اما مدام بترسی از اینکه قراره ولت کنه یا بهت صدمه بزنه.

دل یکی‌یُ می‌شکنیم

قبل از اینکه اون دل ما رُ بشکنه.

چون نگرانیم مبادا ما اون کسی باشیم که صدمه می‌بینه،

یا می‌شکنه

ترجیح می‌دیم خودمون اون عوضی باشیم که طرف مقابلُ ول می‌کنه.

چه دنیای بی‌رحم لعنتی‌ای‌یه.

از این دنیا خوشم نمی‌یاد

به‌خاطر همین **دنیای خودمُ** ساختم

CamScanner

این دنیا خیلی به پول متکی‌یه،

و به مادیات

داشتن چیزای ضروری رُ درک می‌کنم

ولی...

لباس پنج دلاری که از سر خوش‌نیتی گرفتم

به خوبی لباس پنجاه دلاری‌ایه

که تو از یه جای دیگه خریدی

جفت‌شون پارچه‌ن

ماشینم خوب کار می‌کنه.

دوست دارم یه ماشین جدید داشته باشم؟

احتمالاً آره.

اما به یه ماشین جدید احتیاج دارم؟

نه.

این‌ها فقط وسیله‌ن.

فقط مادیاتن.

ماجراجویی و تجربه کردن **خیلی خیلی** بهتر از

اون دم‌پایی‌یای دو هزار دلاری گوچی‌ین که بهشون «احتیاج» داری

پرواز کنی بری خونواده‌تُ ببینی

خیلی بهتر از لامبورگینی دویست هزار دلاری‌یه

آره، ماشین خفنی‌یه، فهمیدیم، مایه‌داری

بزرگ شو، مبنای زندگیت مادیات نباشن

و یه‌زندگی محشر داشته باش.

CamScanner

با گذشت زمان،

ببخشید

ارزشیِ که یه‌زمان داشت

از دست می‌ده

و دیگه قدرتی

برای جمع کردن

خاکستری‌یای قلب آدم نداره

CamScanner

۱۷ آوریل ۲۰۱۸

اون روز یه توییتی دیدم که می‌گفت

«قلبشُ بشکن تا همیشه مال تو باشه»

این توییت اعصابمُ خورد کرد. واضح نشون می‌ده که چطور بعضی‌یا فقط به‌خاطر توجه با طرف مقابل قرار می‌ذارن. اینکه اصلاً چطور ممکنه دلت بخواد قلب یکی دیگه رُ بشکنی حال آدمُ به‌هم‌می‌زنه. طرف اومده واسه توی به‌دردنخور وقت گذاشته، بعد تو اومدی در مورد شکستن دلش توییت می‌زنی.

این بدبخت محتاج توجهه.

عشق یعنی ساختن هم‌دیگه.

نه که واسه جلب‌توجه طرفُ خورد کنی.

CamScanner

بشر در حال حاضر
انقدر جذب گوشی‌شه که
آدم می‌خواد بگه آهای؟
من همین‌جاما،
یه آدمی که می‌تونی باهاش حرف بزنی
صاف جلوته

CamScanner

دلیل دووم نداشتن رابطه‌های امروزی اینه که وقتی «جرقه»هه دیگه بین آدما نیست، رابطه براشون کسل‌کننده می‌شه. شروع رابطه‌ها تقریباً همیشه سرگرم‌کننده‌س. ولی عشق واقعی یعنی تو بالاپایینا، تو خوبی‌یا و بدی‌یا با طرف بمونی. عشق واقعی یعنی طرف رُ چه سر حاله چه داغونه، دوست داشته باشی. عشق واقعی یعنی به‌ساختن همدیگه کمک کنین. عشق واقعی یعنی وقتی که دیگه»«جرقه»ای‌یم نبود، بمونی.

شاید من خیلی از «عشق» چیزی سرم نشه، چون یه نوجوون احمقم، ولی یه چیزُ در مورد عشق واقعی می‌دونم اونم اینه که تحت هر شرایطی بمونی.

CamScanner

اگر از افکار و احساساتت می‌گی

و اون از این کارت می‌ترسه

پس هیچ دلیلی برای

شنیدن‌شون نداره

CamScanner

چی می‌شه

اگه چیزی که هست نباشه

چیزی که نیست باشه

چیزی که غیرممکنه، ممکن باشه

چیزی که ممکنه، غیرممکن باشه

و چیزی که خیاله، واقعیت باشه

و چیزی که واقعیت محضه، فقط خیال‌مون باشه

CamScanner

۲۹ ژانویه ۲۰۱۸

مربی آوردم تو

باید بدوام

و شاید نبریم بازیُ

ولی مگه هدف سرگرمی نیست؟

CamScanner

۲۹ آوریل ۲۰۱۸

تقریباً تمام بچه‌ها

یه دوست خیالی داشتن

من نداشتم.

من یه «هیولا»ی خیالی داشتم

آخر سر دیگه به ترسیدن ازش

و کنار اومدن با دردی که همراش داشت

عادت کردم

و دست آخر قشنگ دیگه بهش وابسته بودم

به‌خاطر اینه که

به کنار اومدن با درد

عادت کردم.

CamScanner

بیشترین چیزا رُ

از کسایی یاد می‌گیریم

که بیشتر از همه ازشون متنفریم

CamScanner

اگه

چیزی که

من

سبز می‌بینمُ

تو **آبی** ببینی، چی؟ [۳]

___ متاسفم

زندگی کردن

و وجود داشتن

با هم فرق می‌کنن

CamScanner

هشدار لو رفتن داستان:

این‌ها همه‌ی حرفایی نبودن که کاش می‌زدم. در اصل بیشترشون حرفایی هستن که کاش **نمی‌نوشتم**. کاشکی اهمیت نمی‌دادم... ولی متأسفانه می‌دم. ولی اگه حرفایی رُ می‌زدم که حسرت گفتن‌شونُ داشتم، دیگه رازم نبودن و تبدیل به کلمه‌هایی روی صفحه‌های کاغذ کتاب می‌شدن. دیگه کلمه‌هایی می‌شدن که تحریف شدن، چون دنیا عاشق اینه که چیزای مختلفُ تحریف کنه. حرفایی که کاش می‌زدم بین من و غوغای ذهنمن. چون اگه تو هم اون حرفا رُ می‌دونستی، دیگه دستمُ می‌خوندی و دیگه دوش‌های بی‌سروصدایی که می‌گیرم و توشون مدام تو مغزم این حرفا رُ تکرار می‌کنم، راز من نبودن. شاید بتونی بیشترِ وجودمُ بگیری، ولی هیچ‌وقت نمی‌تونی همه‌ی وجودمُ بگیری.

CamScanner

۱. ضرب‌المثلی که وقتی به شما توهینی می‌شه استفاده می‌شه، اما در اصل ضرب‌المثل به‌جای همیشه، هرگز است.

۲. عکسایی که با دوربین چاپ‌فوری گرفته می‌شن.

۳. منظور تفاوت توی نظر و دیدگاهه.

CamScanner